

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»  
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان 1393، پیاپی 5  
صص 77-92

## رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم

فیروزه محمدی حسن آبادی\*، نصراله شاملی\*\*

### چکیده

نشانه‌شناسی واژه‌های قرآن بدین سبب از اهمیت خاص برخوردار است که اولاً خداوند آن را معجزه پیامبرش قرار داده و مخاطبان خود را به مبارزه طلبیده تا اگر قدر و توان آوردن یک سوره در برابر قرآن دارند، آن را عرضه نمایند، ثانیاً متن قرآن به خودی خود، دارای واژگانی است که با فرض حذف واژه قرآنی و جانشین کردن واژه دیگر، همه معنای عباراتی که در آیه آمده دچار اختلال می‌شود. یکی از این صدها واژه کلید در قرآن کریم، واژه‌هایی هستند که به نحوی به رنگ دلالت دارند. این رنگ‌ها بعضی جزء رنگ‌های اصلی بوده که علم فیزیک آنها را شناسایی کرده و بعضی غیر اصلی می‌باشند که با طبیعت کاملاً هماهنگ و متناسبند.

غرض از روی آوردن به این مقوله، تحلیل نشانه‌شناختی و کشف معانی واژگان مربوط به رنگ است تا در این راستا توجه قرآن‌شناسان به این بخش جلب شده و زیبایی‌های معنایی را از این منظر به نظاره بنشینند. در این مطالعه، از رویکردهای نشانه‌شناختی، همچون "زبان مجاز"، "درون‌متنیت" و "تفاوت" (شامل روابط همنشینی و جانشینی) در تحلیل واژگان مرتبط با و مفهوم رنگ استفاده شده تا معانی مستقیم (معنایی) و غیر مستقیم (کاربردی) که از واژگان رنگ بدست می‌آید، مورد بررسی قرار گرفته، غیر قابل جایگزین بودن بعضی از رنگ‌ها با رنگ‌های مشابه و استفاده عالمانه و خلاقانه از این واژگان مشخص گردد. نتایج این بررسی مورد استفاده مفسرین این کلام الهی خواهد بود تا با دید گسترده‌تری به مفاهیم قرآنی توجه نموده و به ایجاد تفاسیر علمی و نشانه‌شناختی اهتمام ورزند. همچنین این نتایج، پیامی برای مترجمان قرآن خواهد بود تا در این رهگذر، معادل‌های دقیق‌تری برگزینند.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، نشانه‌شناسی، رنگ، مفهوم معنایی، مفهوم کاربردی.

## مقدمه

اگرچه نشانه‌ها محدود به زبان نمی‌شود، بر نشانه‌های زبانی تاکید ویژه‌ای وجود دارد (سوسور، 1959، ص 43). نشانه برای سوسور دارای دو مفهوم به هم وابسته دلالت و ارزش<sup>5</sup> است. او دلالت را رابطه‌ای می‌داند بین دال<sup>6</sup> که تصویری صوتی<sup>7</sup> است و مدلول که تصور مفهومی<sup>8</sup> است و این دلالت را ایجابی می‌شمرد.

ارزش برای سوسور رابطه بین یک نشانه و نشانه‌های دیگر است و در نتیجه، ارزش یک رابطه سلبی<sup>9</sup> است. نتیجتاً در آیین سوسور، نشانه‌ها در کنار هم و در مقایسه تمایزاتشان بررسی می‌شوند (سجودی، 1388، ص 51).

در حقیقت، نشانه شناسی به بررسی روشهای تحلیل دلالت پرداخته و متن را یک نظام معنایی می‌داند (قائمی نیا، 1386، ص 142).

زبان، بارزترین شکل از نشانه‌های قراردادی است، که بین افراد یک جامعه خاص مورد توافق و استفاده است. گاه بسته به کیستی گوینده، استفاده از زبان شکل خاص و پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که متون الهی از آن جمله‌اند.

در متون الهی، گاه کلمات، عبارات و جملاتی یافت می‌شوند که، به سرعت، حتی برای متکلمان آن زبان هم قابل درک نمی‌باشند و به کندوکاو دقیق علمی نیاز دارند. قرآن در شریعت اسلام کتابی است که می‌باید در کنار یک رمز گشای عالم به رمزهای آن مطالعه شود.

موجودات جهان هستی در بین مجموعه‌ای از عواملی قرار گرفته‌اند که خود از عوامل دیگر نشأت یافته‌اند. این عوامل طبیعی، و یا قراردادی و ساخته فکر و فرهنگ بشرند. ابرهای سیاه نشانگر بارانی شدید، و بلند کردن دست به معنی ابراز سلام و ادب. هر کدام از عوامل باران و ابراز سلام، خود، از عوامل ابر و بلند کردن دست، چه طبیعی<sup>1</sup> و چه قراردادی<sup>2</sup> بوجود آمده‌اند. مجموع این عوامل را "نشانه"<sup>3</sup> و علمی که به آنها می‌پردازد را "نشانه شناسی"<sup>4</sup> می‌خوانند.

سوسور (1959) از پیشگامان این علم، معتقد است که "تمامی شیوه‌های بیانی که در جامعه‌ای پذیرفته شده‌اند، در بیان خود بر پایه رسم‌های اجتماعی بنا شده‌اند، یا بر پایه قرارداد که همان معنا را می‌دهد" (احمدی، 1371، ص 13).

نشانه چیزی است که به جای چیز دیگری نشسته و به علمی که به مطالعه سیستم نشانه‌ها و سازمان درونی آنها می‌پردازد، نشانه شناسی اطلاق می‌شود (مارتین و رینگهام، 2006، ص 54).

در تبیین این علم از دو واژه (semiology) و (semiotics) استفاده می‌شود که هر دو به "نشانه شناسی" تعبیر می‌شوند. دو پیشگام متفکر در این علم «سوسور» و «پیرس» هستند که اولی واژه مقدم و دومی واژه مؤخر را پایه نهادند و به اعتقاد مارتین و رینگهام تفاوت فاحشی نیز بین آن دو واژه وجود ندارد.

5. Value  
6. Signifier: langue  
7. Signified: parole  
8. Difference

1. Unconventional  
2. Conventional  
3. Sign  
4. Semiotics

سیستم حفظ فرهنگ یا زیر-فرهنگ است و این زبان رمزی است که با "چگونگی" نمایش اشیاء و نه با "چستی" آنها مرتبط است.

از آنجایی که نشانه شناسی امکان ارائه "مستقیم" همه چیز را رد می‌کند، زبان مستقیم در آن به چالش کشیده می‌شود. زبان یک ابزار خنثی نیست و انتخاب کلمات قابل بحث و بررسی است. استعاره دربرگیرنده یک مدلولی باشد که در جایگاه یک دال عمل می‌کند و به یک مدلول دیگر اشاره دارد (چندلر، 2007، ص 124).

رسم مجاز این است که چیزی که شیء هست را با بیان آنکه چه چیزی نیست نشان دهد (مرل، 2001، ص 28-39)

## 1-2. زبان مجاز در قرآن کریم

بلاغت، "رساندن معنا در نیکوترین لفظ به قلب شنونده" است که عالی‌ترین نمود آن در قرآن است. بیان مجازی از جمله صور رساندن معنا در نیکوترین لفظ است (الرمانی در علوی مقدم، 1386، ص 69). همچنین، استفاده از تشبیه و تمثیل را از فصاحت و بلاغت و توانایی گوینده می‌داند (جعفری، 1382، ص 4).

## 1-3. تبیین مفهوم «درون متنیت»

متون از یکدیگر مستقل نبوده در این راستا می‌توان به تئوری "بینامتنیت"<sup>8</sup> کریستوا (1959) اشاره نمود. بر اساس این تئوری، هر متن به طور افقی<sup>9</sup> مؤلف و خواننده را به یکدیگر، و به طور

معنا در این کتاب، سطوحی دارد و هر سطح رموزی.<sup>1</sup> از جمله رموز این کتاب رمزگان "رنگ" است که بسته به نوع کارکردهای مختلف آن در بافتی خاص، دلالت‌های<sup>2</sup> متفاوتی را آشکار می‌سازد. در حقیقت، مفهوم کلمات در قرآن، در سطوح معنایی<sup>3</sup>، بدون در نظر گرفتن بافت، و همچنین کاربردی<sup>4</sup>، با در نظر گرفتن بافت و منظور گوینده، بررسی می‌شوند.

از این روست که روش‌های نشانه شناختی کمک شایانی به رمز گشایی رمزگان قرآن کریم است. در این تحقیق، از رویکرد نشانه شناختی سوسور جهت رمزگشایی از واژگان مربوط به رنگ بهره گرفته می‌شود که اهم نظریات او در زیر تشریح می‌شود:

- بررسی نشانه شناختی زبان مجاز؛

- درون متنیت<sup>5</sup>

- روابط همنشینی<sup>6</sup> و جانشینی<sup>7</sup> پرداخته سوسور

(1959)

## 1. آراء نشانه شناختی سوسور و کاربرد آن در قرآن کریم

### 1-1. تبیین مفهوم «زبان مجاز»

زبان مجاز، از جمله ابزار بیانی است که در علم نشانه شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نمونه‌های عالی آن در قرآن مشهود است. زبان مجاز بخشی از

1. Codes
2. Signification
3. Semantics
4. Pragmatics
5. Intratextuality
6. Syntagmatic Relations
7. Paradigmatic Relations

8. Intertextuality
9. Horizontal axis

نظر، وجود ندارد. نشانه‌های جانشینی، در یک گروه تعریف شده (مثلاً صفاتی که می‌توانند جایگزین یک صفت در جمله شوند) قرار می‌گیرند و هر انتخاب از این گروه، معنای متفاوتی را شکل می‌دهد. تحلیل رابطه جانشینی بدین صورت است که هر نشانه موجود در متن با آن نشانه‌های غایب در متن مقایسه می‌شود که در شرایط برابر می‌توانستند بجای نشانه موجود انتخاب شوند و سپس به بررسی ارزش گزینه منتخب می‌پردازد.

هر دوی این روابط، ارزش یک نشانه را تعیین می‌کنند و آنها هستند که با ایجاد بافت متنی برای نشانه‌ها، به آنها معنا می‌دهند (چندلر، 2007، ص 84). برای واضح‌تر شدن مطلب، مثال زیر قابل تأمل است:

"خانواده علی هر روز برای ناهار برنج و کباب بوقلمون می‌خورند."

همنشین شدن دو اسم از اسامی غذاها، "برنج" و "کباب بوقلمون"، این معنی ضمنی را به ذهن می‌رساند که خانواده علی متمول هستند. حال اگر "عدس" را جانشین "کباب بوقلمون" کنیم، معنی ضمنی جمله متحول می‌شود و خانواده علی دیگر متمول نیستند. تفاوت ارزش مادی غذاها در معنای جمله "تفاوت" فاحشی ایجاد نمود و این ارزش کلمات، به مثابه نشانه‌ها، را می‌رساند.

## 2. نشانه، نشانه شناسی و ارتباط آن با رمزگشایی قرآن کریم

ایزوتسو (1914) با استفاده از دیدگاه سوسور نتایجی در تفسیر قرآن بدست آورده است. علم نشانه شناسی، که به بررسی روشهای تحلیل دلالت پرداخته

عمودی<sup>1</sup> آن متن را به متون دیگر مرتبط می‌داند. مفهوم دیگری با عنوان درون متنییت قابل توجه است که در آن یک جزء از متن به جزء دیگری از همان متن اشاره می‌کند و برای دریافت معنی یک قسمت به قسمت دیگر نیاز است (چندلر، 2007، ص 197).

### 4-1. درون متنییت در قرآن کریم

باید از خود قرآن کریم در تفسیر این متن الهی استفاده شود. بر اساس عرف عقلا از جمله راه‌هایی که در روایات تفسیری اهل بیت (ع) برای فهم کلام استفاده می‌شود، توجه به "قراین کلام" است: سخنانی که گوینده در جای دیگری گفته و توجه به آن در فهم بخش‌های دیگری از سخن وی تأثیر دارد. به دلیل آنکه بیان قرآن بر حسب اصول محاوره عقلا است در آن از قرآن، که آیه‌های آن هستند، در فهم بعضی آیات دیگر استفاده می‌شود (عزیزی، 1380، ص 25).

### 5-1. تبیین تفاوت همنشینی و جانشینی

در نظر سوسور، تفاوت بین دال‌ها است که معنا ایجاد می‌کند و این تفاوت‌ها یا همنشینی اند و یا جانشینی (چندلر، 2007، ص 83). سوسور هر کدام از آنها را این‌گونه تعریف می‌کند:

- روابط همنشینی امکان ترکیب نشانه‌ها، و مربوط به دال‌های درون متنی است که در درون همان متن موجود است، مانند معنا دار کنار هم قرار گرفتن کلمات در یک جمله معنا دار.

- روابط جانشینی تفاوت‌های کاربردی نشانه‌ها، و مربوط به دال‌های بین متنی است که در آن متن مورد

1. Vertical axis

در همین راستا، در مطالعه حاضر، نظریه‌های نشانه‌شناختی مذکور، جهت فهم بهتر واژگان رنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا معنای کاربردی آنها، که بعضاً در تفاسیر و تحقیق‌های علمی فعلی هم به آنها اشاره شده، مکشوف گردد.

قابل ذکر است که با وجود اینکه هم‌اکنون روش‌های تفسیری متعددی وجود دارد که به صورت ضمنی از فرآیندهای صحیح و جامع نشانه‌شناسی بهره می‌برند، هنوز صورت علمی و نظام مند پیدا نکرده‌اند و جزئیات نشانه‌شناسی را دقیقاً روشن ننموده‌اند. (قائمی نیا، 1386، ص 17). این مطلب، ضرورت روی آوری به تفاسیر نشانه‌شناختی را روشن می‌کند.

در این تحقیق، با جمع آوری مطالب هم‌راستا با نشانه‌شناسی، چه از تفاسیر و چه از منابع تحقیقی دیگر، به کاربرد و تاکید بر کاربرد نشانه‌شناسی در تفسیر و ترجمه قرآن پرداخته می‌شود.

محققان متعددی (اصغری، 1379؛ بلوردی، 1387 الف و ب؛ حنفی، 1384؛ رستم نژاد و نوید، 1389؛ شریفی و جوکار، 1389؛ صداقت، 1385؛ محمودی، 1387) در زمینه چگونگی کاربرد رنگ و معانی بارز<sup>۱</sup> و ضمنی<sup>۲</sup> آن در قرآن بررسی‌های جامع و دقیقی انجام داده‌اند؛ با این وجود، رنگ را نشانه نپنداشته‌اند و به تحلیل نشانه‌شناختی آن نپرداخته‌اند.

### 3. رنگ به مثابه نشانه

محدثی (1376) نور را مهمترین عامل در تشخیص رنگ می‌داند و اذعان می‌دارد که بازتاب تشعشعات نور از اشیاء رنگ آنها را شکل می‌دهد. او

و متن را یک نظام معنایی می‌داند، در علوم مختلف از جمله مطالعات دینی و تفسیر آن متون، تحولات اساسی بوجود آورده و در مطالعات آنها اجتناب ناپذیر است. کاربرد نشانه‌شناسی در تفسیر قرآن به سه دسته تقسیم می‌شود:

1) روش شناسی برای فهم متون: این دانش از روش تحلیل ارتباط و روش دستیابی به اطلاعات و معنا بحث می‌کند و از این رو در ذیل روش شناسی می‌گنجد؛

2) نگاه نظام دار به معنا: نشانه‌شناسی نظام و دستگاه معنا در ارتباط را بررسی می‌کند؛

3) روش سازی و کار تکثیر معنا در یک نظام نشانه‌ای (قائمی نیا، 1386، ص 13).

نظام و دستگاه معنا در قرآن به "استخوان بندی معنایی" متن تعبیر می‌شود که به وسیله آن، ارتباط پیچیده معنایی میان آیات و واژه‌ها را قابل کشف خواهد بود (قائمی نیا، 1386، ص 14).

این پیچیدگی معنایی در قرآن ناشی از "مکانیسم اظهار و اخفا" در نصوص دینی است که جهانی بی پایان را برای مفسر فراهم می‌کند. در تعریف این مکانیسم می‌توان گفت که "هیچ متنی از لحاظ نشانه‌شناختی نمی‌تواند تمام استعدادهایش را یکجا مکشوف سازد.

متن ویژگی‌های دوگانه ای دارد؛ از سویی، بخشی از استعدادهایش را بالفعل در معرض دید خواننده قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بخشی دیگر از آنها را پنهان کرده است". برای آشکار ساختن این سطح ناپیدا، خواننده محتاج عالم متن است و از قسمت‌های مختلف متن برای فهم آن بهره می‌برد (قائمی نیا، 1386، ص 16).

1. Denotative
2. Connotative

ارتباط ارائه داده‌اند. بسیاری از فعالیت‌های دنیوی در ایجاد و استفاده از نشانه‌ها، نتیجه توانایی انسان در دریافت رنگ است. رنگ‌ها نشانه‌های "کیفی"<sup>2</sup> هستند و این نشانه‌ها توجه فرد را به بعضی از جنبه‌های مصداق<sup>3</sup> خود معطوف می‌دارد (دنسی، 2004، ص 9).

همچنین، با استفاده از مثلث فرگ<sup>4</sup> (ریاضی دان آلمانی، قرن 20)، می‌توان در رمز گشایی<sup>5</sup> پیام تبلیغات، رنگ را از دیدگاه نشانه‌شناختی بررسی نمود. مثلث فرگ یک طرح انتزاعی از هر نشانه است که در هر یک از اضلاع خود "دارای شیء در دنیای واقع"، "کلمه در سطح زبان طبیعی" و "مفهومی از شیء واقعی و با خیالی" است.

می‌توان از دو جنبه رنگ را نشانه پنداشت: زمانی که رنگ دیده می‌شود (شکل غیر کلامی آن) و زمانی که رنگ با استفاده از واژه‌ها بیان می‌شوند. دال، رنگ غیر کلامی، طول موج‌های نور و رنگ کلامی، واژه‌های رنگ، و مدلول هر دو، معنی غیر رنگ<sup>6</sup> است (المالک، 2008م، ص 1).

بعلاوه، تحلیل همزمان رنگ و نشانه‌شناسی می‌تواند استفاده دو جانبه داشته باشد: "از تئوری رنگ به نشانه‌شناسی دیداری و از نشانه‌شناسی همگانی به مطالعه رنگ" می‌توان رسید (کیوانو، 1998، ص 400). این تحقیق، از این رهگذر، بر آن است تا رنگ را در قرآن کریم از دیدگاه نشانه‌شناختی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

ادامه می‌دهد که اشعه خورشید که منشأ رنگ‌هاست، دارای طول موج‌های مختلف است که هفت رنگ اصلی و فرعی دارد (بلوردی، 1387ب، ص 92).

نور انرژی‌ای است که در خلأ حرکت می‌کند و آن را "اثر"<sup>1</sup> می‌نامند. رنگین کمان، اشعه‌های پراکنده خورشید است که به طول موج‌های مختلف (یا رنگ‌های بنفش، آبی، سبز، زرد، نارنجی و قرمز) شکسته می‌شود (لوکیش، 1915، ص 65).

تجمع تمام امواج نوری، نور سفید را تشکیل می‌دهند و در شکسته شدنش به وسیله یک منشور، کوتاه‌ترین موج آن رنگ بنفش و بلندترین آن قرمز است و طول موج‌های مابین آنها آبی، سبز و زردند (نرمال، 1363 در رستم نژاد و نوید، 1389، ص 132).

داستان رنگ تقریباً داستان تمدن است و قدمت علاقه بشر به آن به قدمت وجود او در زمین تخمین زده می‌شود (بیرن، 1963، ص 84). رنگ کاربردهای متعددی در زندگی بشر دارد که چند نمونه از آنها به صورت زیر است: اثر رنگ بر بیماریها، اثرات روانی رنگ در کودکان و سالمندان، اثر روانی رنگ در تزئینات داخلی، رابطه رنگ با آراستگی و غیره (فرزان، 1375، تمام اثر).

ائمه اطهار(ع) بر کاربرد و تأثیر هر رنگ بر روان انسان توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نمی‌توان یک تئوری واحد در مورد تأثیر روانی رنگ‌ها بر افراد ارائه نمود، مگر اینکه مفاهیمی از کلام وحی بر انبیاء وارد شده باشد (آیت الهی، 1381، ص 116).

تئوری پردازانی رنگ را از نشانه‌های فرهنگی و یا جهان شمول انسان دانسته و تئوری‌هایی در این

2. Qualisign
3. Referent
4. Freg
5. Decoding
6. Non-color meaning

1. Ether

**3-1. رنگ به مثابه نشانه در قرآن**

آیات اشاره کننده به رنگ در قرآن کریم به دو دسته تقسیم بندی می‌شوند:

1. آیاتی که از واژه "لون" یا "الوان" یا "صبغه" استفاده کرده‌اند.

2. آیاتی که از رنگ‌های مختلف استفاده کرده‌اند (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 135).

محققین حاضر، در روند این مطالعه، با دسته‌ای دیگر از واژگان روبرو شد که بطور غیر مستقیم به مفهوم رنگ اشاره دارد. لذا آیات مربوط به رنگ و مورد بحث در این تحقیق شامل چهار مورد زیر است:

1. آیه دربر گیرنده کلمه "الوان"

2. آیه دربر گیرنده کلمه "صبغه"

3. آیات حاوی رنگ‌های مختلف

4. آیاتی که بطور غیر مستقیم به مفهوم رنگ

اشاره دارند.

**3-1-1. آیات حاوی واژه «لون» یا «الوان»**

دو کلمه "لون" یا "الوان" چندین بار در قرآن کریم تکرار شده‌اند:

«قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْثُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره: 69)؛

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتَلَفَ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم: 22)

«وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ» (نحل: 13)

«ثُمَّ كَلِمَةٌ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلُكُم بِسُئْلِ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» (نحل: 69)

«الْمَ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَابِيْبٌ سُودٌ» (فاطر: 27)

«الْمَ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُمْ يَهيجُ فَتَرَاهُ مَصْفُورًا ثُمَّ يُجْعَلُهُ حُطَامًا» (زمر: 21).

در مورد معانی و مضامین و گوناگونی کاربرد کلمه "لون" در قرآن باید گفت که این واژه، نه بار در قرآن کریم آمده که شش بار به مفهوم عام و سه بار در مفهوم خاص به کار رفته است.

دلالت رنگ در مفهوم عام آن، گستره ای بس فراختر از دلالت آن در مفهوم خاص دارد؛ چرا که رنگ در مفهوم کلی بر تنوع (چند گونگی)، تعدد، تباین و تفاوت دلالت می‌کند و به همین دلیل، این واژه هفت بار به صورت جمع و تنها دوبار به صورت مفرد در قرآن کریم آمده است.

شاید بتوان گفت علت این که این مفهوم بیشتر با صیغه جمع آمده آن باشد که لفظ جمع برای بیان گونه گونی و تنوع، دلالت بیشتری از لفظ مفرد دارد و به هیچ وجه امکان ندارد زندگی بشر، یکرنگ، یک شکل و یک رای و نظر داشته باشد (حنفی، 1384، ص 51).

این تعداد از اعجاز عددی رنگ‌ها در قرآن است و احتمال دارد که هفت بار تکرار واژه "لون" اشاره به "طیفهای هفت گانه نور سفید" و "هفت رنگ درک پذیر" داشته باشد (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 136).

در مورد آیه 27 سوره فاطر، اشاره به همنشینی واژه‌های "جدد" و "الوان" دارند. "جدد" جمع کلمه "جده" است و جاده یا راه معنی می‌دهد. در تفسیر

رنگ نمی‌دهند، ولی سنگهایی که از جنس کربونات کلسیم (سفید) هستند بر اثر حرارت اکسید شده رنگ آنها به قرمز تغییر پیدا می‌کند. در نتیجه، قرمز در ترکیب اصلی همه رنگ‌ها وجود دارد (فتحی در رستم نژاد و نوید، 1389، ص 142-143).

در این تفسیر، از «دو اصل همنشینی و جانشینی» به ترتیب، به صورت زیر استفاده شده است: همنشینی کلمات «حمر» و «مختلف الوانها» مفسر را به نتیجه ای که در پاراگراف بالا ذکر شد هدایت می‌کند. هر کدام از رنگ‌های دیگر موجود در کوهها، می‌توانست جایگزین کلمه «حمر» شوند و معنای بدست آمده ی بالا را تغییر دهد. ولی، خداوند با علم لایتناهی خود عالمانه از میان چندین گزینه ممکن رنگ قرمز را انتخاب کرده است.

### 3-1-2. بررسی کلمه «صبغه» در قرآن

کلمه «صبغه» دو بار در قرآن کریم استفاده شده است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: 138).

این کلمه را در فارسی می‌توان به «رنگ» ترجمه نمود؛ با این وجود، از آنجایی که این کلمه با کلمه «الله» همراه شده، و از آن رو که نمی‌توان برای خداوند رنگ مادی تصور کرد، معنای ظاهری که از کلمه رنگ در زبان فارسی برداشت می‌شود را نمی‌توان برای کلمه «صبغه» در نظر گرفت.

این کلمه به فطرت الهی و عامل جدایی انسان از حیوان تعبیر می‌شود (رضایی اصفهانی، 1412ق، در رستم نژاد و نوید، 1389، ص 145). این رنگ را رنگ بی‌رنگی و حذف همه رنگ‌های نژادی و قبیلگی نیز هست و از این رنگ به رنگ ایمان و

این قسمت از آیه که سخن از کوه و رنگ به میان آمده با ارجاع به تفسیر آلوسی دو پیشنهاد وجود دارد: "مراد از این راهها یا راههایی است که در کوهها قرار دارد و رنگارنگ است یا مراد خود کوههاست که به صورت خطوطی کشیده شده روی کره زمین قرار دارد، بعضی از این سلسله جبال به رنگ سفید، بعضی سیاه و بعضی رنگیند" (روح المعانی، 1405، ج 22، ص 189).

همچنین چیزی که در طبیعت مشاهده می‌شود و به صورت سنگهای تزئینی و به رنگ‌های مختلف در ساختمان سازی استفاده می‌شود، رگه‌های رنگی از جنس خود کوههاست و در نتیجه کلمه جدد نمی‌تواند تنها به معنی راه یا رشته کوه باشد؛ بلکه به معنی "رگه‌های رنگی کوهها" هم هست. برای اثبات این مدعا می‌توان از ارجاع "درون متنیست" استفاده کرد و خواننده را به آیه ای دیگر ارجاع داد که می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قاعه: 5)؛ و کوه‌ها کاملاً خرد مانند پشم رنگین حلاجی شده می‌شوند.

این‌گونه برداشت می‌شود که رنگ در پشم کوهها به علت رگه‌های رنگین در آنهاست (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 142).

کوه‌ها، رنگ‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند؛ با این وجود، در این آیه فقط به رنگ‌های سفید، قرمز و سیاه اشاره و سایر رنگ‌ها در قالب "مختلف الوانها" و بعد از کلمه "حمر" آورده شده تا به این مطلب اشاره کند که رنگ کوهها درجاتی از رنگ قرمزند. رنگ سفید در کوهها، بر اثر عامل اکسید شدن، منشأ سایر رنگ‌ها در آنهاست. سنگ گرانیت (قرمز) و بازالت (سیاه) تحت هیچ شرایطی تغییر



«فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (ملک: 27): زشتی و سیاهی روی کافران

### 2- رنگ سفید: 12 بار و در سوره‌های:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره: 187): اوقات روزه  
«وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آل عمران: 106): سفیدرویی مومنان (کاربرد مجازی)

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ» (اعراف: 108): معجزه موسی

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ» (شعراء: 33): معجزه موسی

«وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (طه: 22): معجزه موسی

«وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (نمل: 12): معجزه موسی

«اسْأَلْكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (قصص: 32): معجزه موسی

«وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَاسُوفَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ» (يوسف: 84): دیده یعقوب

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: 27): رنگارنگی طبیعت و خلقت

«بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» (صافات: 46): شراب طهور  
3- رنگ سبز: 8 بار و در سوره‌های:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا» (انعام: 99): سبزی طبیعت و آفرینش

توحید خالص، عدالت و مساوات و برادری و برابری تعبیر می‌شود (مکارم شیرازی، 1381، ج 1، ص 483). به این ترتیب می‌بایست دید کنایی به این کلمه داشت و معنای تحت الفظی آن را در حاشیه قرار داد.

### 3-1-3. بررسی آیات حاوی رنگ‌های مختلف

تعداد دفعات و مفاهیم بکار گرفته شده رنگ‌ها در قرآن به شرح زیر است:

#### 1- رنگ سیاه: هفت بار و در سوره‌های

مختلف:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره: 187): زمان فرا رسیدن طلوع فجر و صبح صادق

«يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران: 106): سیاه رویی کافران در قیامت (رنگ مجازی)

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (النحل: 58): اندوه بر اثر فرزند دختر

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر: 27): رنگ سیاه در کنار رنگهایی چون سرخ و سپید نشانگر زیبایی آفرینش کوهها

«وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُسْوَدَّةٌ» (الزمر، 60): رسوایی کافران  
«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (الزخرف: 17): سیاهی روی

مشركان

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ» (فاطر: 27): آفرینش و رنگ‌های طبیعی (ر.ک: کریمی، 1385، تمام اثر)

از تعداد دفعات کاربرد رنگ‌ها و کلمات مرتبط با آنها در قرآن کریم می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اسلام به تنوع و استفاده روانشناختی رنگ‌ها تاکید دارد. از حیث وقوع رنگ‌ها در قرآن، همانطور که در دسته بندی بالا مشاهده می‌شود، هر رنگ دامنه ای از معانی را دربر می‌گیرد که با توجه به کلمات همجوار و بافت پیرامونی، معنی و تفسیر می‌شوند. شرح بیشتر این مسئله با تفصیل بیشتری در بعضی از آیات مذکور خواهد آمد.

### 2-3. بررسی رنگ «سفید» و «سیاه»

#### 1-2-3. سفید؛ نماد ایمان و سعادت - سیاه؛ نماد جهل و شقاوت

با توجه به آیات 106 و 107 سوره آل عمران، سفید در این آیات تمثیلی از خشنودی اهل ایمان و سیاه، خست و فرومایگی و انفعال و شرمندگی کافران است (طباطبایی، 1383، ج 3، ص 581).

این "معنای مجازی" از کتراست دو رنگ سیاه و سفید و "کلمات پیرامونی" این دو رنگ، شامل "ایمان"، "عذاب" و "رحمت"، نیز برداشت می‌شود (محمودی، 1387، ص 68).

همچنین، در این ارتباط آمده است: "به دنبال هشداری که در آیات سابق درباره تفرقه و نفاق و بازگشت به آثار دوران کفر و جاهلیت داده شده، در این آیه به نتایج آنها اشاره می‌شود که چگونه کفر و

«وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ» (یوسف: 43):  
خواب شاه

«يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ» (یوسف: 46): خواب شاه

«أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ» (کهف: 31): نعمتها و جامه‌های بهشتی

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» (حج: 63): سبزی طبیعت

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا» (یس: 80): آفرینش و قرار دادن آتش در دل طبیعت

«مُنَكِّبِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ» (الرحمن: 76): نعمتهای بهشتی

«عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ» (الانسان: 21): نعمتهای بهشتی

#### 4- رنگ زرد: پنج بار و در سوره‌های:

«قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ: (بقره: 69): گاو بنی اسرائیل

«وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ» (روم: 51): کشت و زرد و کفران نعمت

«ثُمَّ يَهِيحُ فِتْرَتُهُ مُصْفَرًّا» (الزمر: 21): زرد شدن کشتهای و خشکی

«كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا» (حدید: 20): زردی کشت مثال دنیا

«كَأَنَّهُ جَمَالَتٌ صُفْرٌ» (مرسلات: 33): پاره‌های آتش دوزخ مانند شتران زرد موی

5- سرخ: یک بار و در سوره‌های:

نمایش می‌دهد. سیاه شدن روی، کنایه‌ای از خشمگین شدن (طباطبایی، 1383، ج 12، ص 400) و نیز نماد جهالت و گمراهی است (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 161).

پس، زبان مجاز در رساندن این مقصود وسیله بوده است. هیچ رنگی بجز سیاه نمی‌توانست بیانگر این مفهوم باشد و "جانشین" شدن آنها بجای سیاه مفهوم مورد نظر را مختل می‌نمود (محمودی، 1387، ص 58). در روانشناسی رنگ‌ها نیز سیاه به عنوان نفی هر گونه رنگ تلقی می‌شود که نشان دهنده مرزهای مطلق است که در پشت آنها زندگی متوقف می‌شود و در معنای "نه" در مقابل "آری" سفید است (لوشر، 1376، ص 97).

### 2-2-3. سفید؛ نماد نور و پاکی - سیاه؛ نماد تاریکی و

#### کثیفی

در نشانی‌های قرآنی زیر، قرآن کریم به آن قسمت از داستان حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند که دست ایشان به اذن الهی سفید و درخشان می‌شود: اعراف 108- شعراء 33- نمل 12- قصص 32- طه 22. در این آیات این معجزه را با رنگ سفید بازگو می‌کند. از این رنگ تعبیر به "نور سفید" می‌شود (بلوردی، 1387، ص 75).

بعلاوه، از این دست نورانی در معنای واقعی آن تعبیر به دست پاک و پاکیزه و در معنای مجازی آن تعبیر به دست عفیف و شریف می‌شود (حنفی، 1384، ص 51).

در سه مورد از این آیات عبارت "غیر سوء"، همشین رنگ سفید شده که نشانگر آن است که تمام

تفرقه و بازگشت به جاهلیت، موجب روسیاهی است و چگونه اسلام و ایمان و اتحاد و صمیمیت موجب روسفیدی است" و آنکه "در قیامت، روسفیدی و روسیاهی دنیا که شکلی مجازی دارد، به صورت حقیقی ظاهر می‌شود" (مکارم شیرازی، 1381، ج 3، ص 61-59).

به مبارک بودن سفید و شوم بودن سیاه در آیات دیگر نیز اشاره شده است و با این گونه "ارجاعات درون متنی" می‌توان به درستی مطلب مذکور پی برد. اثبات برداشت فوق، با ارجاع بینامتنی به آیه 46 سوره صافات ممکن می‌شود که در آن نوشیدنی اهل بهشت سفید توصیف می‌شود (محمودی، 1387، ص 68).

در این راستا، رنگ‌های طبیعت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از "رنگ‌های حزن آور" که رنگ‌های تیره اند و رنگ‌های "شادی آفرین" که رنگ‌های روشن هستند. خداوند رنگ‌های سبز و سفید که از جمله رنگ‌های شاداند را در بهشت که محل شادی است، مقرر نموده است (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 160).

چهره سیاه جهنمیان باز هم در سور زمر آیه 60 و ملک آیه 27 نمایش داده شده است. در ارتباط با آیه 60 سوره زمر، قیامت عرصه آشکار شدن درون بوده و احوال افراد سیاه قلب که اعمال و افکاری تاریک دارند، در قیامت به بیرون و به چهره‌هایشان منتقل می‌شود. این بدین معنی است که در آخرت مجازها به حقیقت می‌گریند (مکارم شیرازی، 1381، ج 19، ص 516).

بر همین اساس، سوره نحل آیه 58، صورت غضبناک عرب جاهل بر اثر تولد دختر را با رنگ سیاه

در این آیه نیز به مسرت بخش بودن رنگ این گاو اشاره شده است. زرد روشنترین رنگ در تست روانشناسی و اثر آن روشنایی، خوش رویی و شادمانی است (لوشر، 1376).

### 3-3-2. زرد؛ نماد غم و اندوه

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا در حالی که در آیه 69 سوره بقره رنگ زرد مسرت بخش معرفی شده، در آیه 21 سوره زمر از رنگ زرد برای بیان پژمردگی و مرگ استفاده شده است. پاسخ این سوال به این شرح است که رنگ زرد مراتبی و هر درجه از آن "ارزش" خاص خود را دارد و بیانگر مفهوم خاصی است. بنابراین زردی که در این آیه معرفی شده، متفاوت از زردی است که در آیه 69 سوره بقره است (محمودی، 1387، ص 148).

زرد در قرآن گاهی شادی آفرین و گاهی غم انگیز است و علت آن در تفاوت تأثیر مراتب مختلف رنگ‌ها می‌باشد: زرد پررنگ و طلایی، زرد کم رنگ، زرد مالی به قهوه ای، و غیره. هر کدام تأثیر متفاوت از دیگری دارد. هنگامی که زرد به قهوه ای می‌گراید، مانند برگ‌های پاییزی، حالت مسرت بخشی خود را از دست می‌دهد (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 147).

همچنین، کنتراست و "همنشینی رنگ زرد و سبز" در اینجا حائز اهمیت است. در قرآن، حرکت از زندگی و برکت و طراوت به سمت افول و زوال به ترتیب با رنگ‌های سبز (سبزی زمین در سوره حج، آیه 63 - برکت در سوره یوسف آیات 43 و 46 - طراوت در عبارت مُدْهَامَاتَانِ در سوره الرحمن آیه 64) و زرد نشان داده می‌شوند (محمودی، 1387، صص 74-76).

رنگ‌های سفید، به دلیل ترکیبات و ناخالصی‌ها، زیبا نیستند (اصغری نژاد، 1379، ص 96).

از روابط جانشینی هم در اینجا استفاده می‌شود و انتخاب عالمانه رنگ سفید بجای رنگ سیاه از جانب خداوند، ستودنی است (محمودی، 1387، ص 69).

### 3-2-3. چشم سفید؛ نماد نابینایی

مراد از سفیدی چشم در آیه 84 سوره یوسف، نابینایی کامل و نه نسبی (از سفیدی چشم، هر دو معنی برداشت می‌شود) بیان شده و برای اثبات این ادعا، با ارجاع به دو آیه بعد استفاده می‌شود که حضرت یوسف از برادرانش می‌خواهد پیراهنش را روی پدرش بیندازند تا بینا شود (طباطبایی، 1383، ج 11، ص 318).

این تنها مورد استفاده منفی از رنگ سفید است (رستم نژاد و نوید، 1389، ص 161): «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف: 86).

### 3-3-3. بررسی رنگ «زرد»

#### 3-3-1. زرد؛ نماد مسرت و ایمان

در آیه 69 سوره بقره که صحبت از تعیین گاوی برای قوم بنی اسرائیل است، شاخص گاو یک رنگ معرفی شده و آن زرد است. کلمه "صفراء" به معنی زرد، همنشین کلمه "فالق" شده است. "فالق" که بیشتر در کنار رنگ‌های زرد و قرمز استفاده می‌شود، شدت رنگ را می‌رساند، و در ارتباط با زرد، رنگی شبیه طلایی را تداعی می‌کند که مسرت بخش و سمبل ایمان است (محمودی، 1387، ص 148).

در اینجا رابطه جانشینی است که واژه برتر را تعیین می‌کند (بلوردی، 1387ب، ص 80).

همچنین در این راستا و در ارتباط با این آیه، نکته ظریفی در مورد همنشینی دو واژه "بهیج" و "مصفر" وجود دارد: «بهیج» از ماده هیجان در لغت به دو معنی آمده است: نخست خشک شدن و زرد شدن گیاه و دیگر به معنی به حرکت درآمدن و جوش و خروش برداشتن؛ ممکن است این دو معنا به یک ریشه بازگردد. زیرا به هنگامی که گیاه خشک می‌شود آماده جدایی و پراکندگی و هیجان می‌گردد (طباطبایی، 1385، ج 19، ص 423؛ صداقت، 1383، ص 342).

در اینجا همنشینی دو واژه "بهیج" و "مصفرا" بر ناپایداری و فروریزی تاکید دارند. به علاوه، بین محرک بودن رنگ زرد از لحاظ روانشناسی و هیجان ناشی از واژه "بهیج" ارتباط عجیبی وجود دارد.

در آیه 46 سوره یوسف نیز که به سبزی اشاره دارد، از کلمه "سنبلات" استفاده شده که مونث و در صیغه تانیث آمده و با این صورت نحوی بر خرمی و سرسبزی دلالت دارد و عالمانه در کنار رنگ سبز استفاده شده است.

#### 4. مفاهیم اشاره کننده به رنگ در قرآن کریم

در کنار واژه‌هایی که اشاره مستقیم به رنگ‌ها در قرآن کریم داشتند، واژه‌هایی نیز در این کتاب مقدس وجود دارند که بطور غیر مستقیم به رنگ‌ها و یا ویژگی‌های آنها دلالت می‌کنند. در زیر با ذکر نشانی آیات مورد نظر به بررسی بعضی از این نوع واژگان می‌پردازیم.

آیه 20 سوره حدید نیز با استفاده از تمثیلی عدم ثبات زندگی دنیا را با زرد بیان می‌کند (بلوردی، 1387ب، صص 96-97).

#### 3-4. بررسی رنگ «سبز»

##### 3-4-1. سبز؛ نماد حیات و کمال

در تفسیر آیه 64 سوره الرحمن، کلمه "ادهیام" از مصدر باب افعیلال و از ثلاثی مجرد "دهمه" و "دهمه" به معنی سبز پررنگ متمایل به سیاهی و معادل واژه "یشمی" در فارسی دانسته می‌شود: «مُدْهَامَتَانِ» آن قدر (این دو بهشت) سبزند که سبزی و غرور و ابتهاج درختانش به نهایت رسیده و برگها متمایل به سیاهی شده است (طباطبایی، 1383، ج 19، ص 186).

همچنین رنگ سبز در فرهنگ قرآن رنگی بهشتی است و چند ارجاع درون متنی پایه اثبات این ادعاست. با اشاره به آیه 31 سوره کهف که لباس بهشتیان و آیه 76 سوره رحمن که فرش آنها را سبز توصیف می‌کند، رنگ سبز، نماد "حیات، جاودانگی، ایمان و کمال" است و این ویژگیها در بهشت به اوج می‌رسد (محمودی، 1387، ص 76).

##### 3-4-2. سبز؛ نماد حرکت و هیجان

همانطور که قبلا نیز بیان شده رابطه جانشینی و ارزش انتخاب هر واژه در تعبیر کلمات قرآنی موثر است. در خصوص آیه 21 سوره زمر و در باب کاربرد کلمه "مصفر" قابل ذکر است که در این آیه که فضای زندگی به مرگ انتقال میابد، این کلمه مصفر و نه اصفر است که به این فضا اشاره دارد.

**1-4. سیاهی روی گنهکاران**

در آیه زیر از کلمه "قتر" استفاده شده که به معنی دودی است که از سوزاندن چوب حاصل می‌شود و کنایه از سیاهی است: «وَأَلَّا يَرْهَقَ وُجُوهُهُمْ قَتْرًا وَاذَلَّةً» (یونس: 26)

در این آیه چهره نیکوکاران در روز حساب توصیف شده که سیاه نمی‌گردد؛ برعکس در آیه بعد روی گنهکاران به "لیل"، به معنی شب، "تشبیه" شده است: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا» (یونس: 27)، (محمودی، 1387، ص 70).

باز در دو آیه زیر به ترتیب از کلمات "غبره" و "قتره" به معنی غبارآلود و دود در توصیف روی کافران استفاده شده که در تفسیر «قتره» سیاهی و ظلمت معنی شده است (صافی، ج 5، ص 288؛ اصغری نژاد، 1379، ص 101):

«وَأُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ. تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ» (عبس: 41). در اینجا نیز از "صنعت کنایه" بهره گرفته شده است.

**2-4. سفیدی برخی نعمتهای بهشتی**

عطر شراب بهشتی با کافور توصیف شده که گیاهی است معطر که شاخه آن رنگ سفید آن است (محمودی، 1387، صص 68-69): «إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (دهر: 5).

همسران بهشتی نیز با رنگ سفید تعریف شده‌اند: «وَأَحْشَابٌ عِوَانٌ كَأَمْثَالِ اللَّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعه: 22)، «وَأَعْنَابٌ قَاصِرَاتٌ الطَّرْفِ عِوَانٌ» (صافات: 48)، «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (صافات: 49).

لسان العرب واژه "حور" را "سفید بودن" معنی می‌کند (ابن منظور، ج 4، ص 265). در سوره صافات آیه 49 از حوریان بهشتی به عنوان پاداشی که بهشتیان دریافت می‌کنند یاد کرده و آنها را به تخم مرغهایی تشبیه می‌کند (محمودی، 1387، صص 68-69). در تعبیر این آیه این‌گونه آمده است: کلمه "بیض" به معنای تخم مرغ و اسم جنس است که واحدش "بیضه" است و کلمه "مکنون" به معنای پنهان شده و ذخیره شده است.

بعضی از مفسرین گفته‌اند: "منظور از تشبیه حوریان به "بیض المکنون" این است که: «همانطور که تخم مرغ مادامی که در زیر پر مرغ و یا در لانه و یا در جای دیگر محفوظ می‌باشد، همچنان دست نخورده می‌ماند و غباری بر آن نمی‌نشیند حوریان نیز این‌طورند» (طبرسی، ج 8، ص 443).

بعضی دیگر گفته‌اند: "منظور تشبیه آنان به باطن تخم است، قبل از آنکه شکسته شود و دست خورده گردد (طباطبائی، 1383، ج 17، ص 207). در اینجا قرآن کریم از "زبان مجاز" برای بیان مقصود خود استفاده کرده است.

**3-4. موی سپید**

بهترین استعاره برای منتشر شدن سفیدی موی سر در سوره مریم آمده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» (مریم: 4). همچنین در تعبیر «اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» آمده است که "تشبیه شعله آتش به شعله ای است که تمام سر را فرا گرفته و از یک سو آتش درخشندگی خاصی دارد که از دور جلب توجه می‌کند و از سویی زمانی که آتش جایی را فرا می‌گیرد. آنچه از آن باقی می‌ماند خاکستر است"

قرآن، قابل تعویض نبوده و این عمل، معنا را دگرگون می‌کند.

3- نشانه‌شناسی که یک چیز را بواسطه نمایش چیز دیگر بجای آن ارائه می‌دهد، براحتی زبان بلاغی قرآن که مملو از استعاره‌ها و تماثل بی نظیر است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

این نتایج، اگرچه محدود به واژگان رنگ است، اشاره مهمی برای اهتمام به نگارش تفاسیر نشانه‌شناختی است که از این مسیر مترجمان نیز به درستی و با امانداری، پیام الهی را به جهانیان ابلاغ دارند.

#### منابع

- 1- قرآن کریم.
- 2- آیت الهی، حبیب الله، (1381)، مبان‌ی رنگ و کاربرد آن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- 3- احمدی، بابک، (1375)، از نشانه‌های تصویری تا متن: به سوی نشانه‌های ارتباط دیداری، تهران: نشر مرکز.
- 4- اصغری نژاد، محمد، (1379)، «نگاهی به رنگ‌ها در قرآن»، فصلنامه بینات، شماره 27.
- 5- بلوردی، طیبه، (1387الف)، «رنگ‌ها و پیامها در قرآن»، فصلنامه مشکوه، شماره 98.
- 6- بلوردی، طیبه، (1387ب)، «روانشناسی رنگ و آثار تربیتی آن از منظر قرآن کریم»، فصلنامه کوثر، شماره 27.
- 7- حنفی، حسین، (1384)، «گونه‌گونی رنگ در قرآن کریم»، فصلنامه گلستان قرآن، شماره 204.

(مکارم شیرازی، ج 13، ص 8). در حقیقت، در این آیه "اشاره کنایی" به رنگ شده است (اصغری نژاد، 1379، ص 84).

#### نتیجه‌گیری

متون، اگر بواسطه نویسنده‌ای واحد بوجود آمده باشند، دارای نظام معنایی و استخوان بندی واحدی خواهند بود. این بدان معناست که بین مفاهیم مختلف آن متن، ارتباط معناداری وجود دارد و فهم یک قسمت منوط به فهم سایر بخشها است. این روابط درون متنی در متون الهی و بخصوص قرآن در عالیتین وجه آن وجود دارد، چراکه معنا در جایی آشکار و در جای دیگر اخفا شده است و بهره‌گیری روایات تفسیری اهل بیت از قرائن کلام برای فهم معنای مخفی، مویذ این مطلب است.

این موضوع، نشان دهنده نیاز مفسرین و مترجمین به روشی روشمند برای فهم کلام الله است. در این راستا، از بین روشهای موجود، رویکرد نشانه‌شناختی، بر نظام‌های معنایی تاکید ویژه‌ای داشته و برای فهم متن، روش ارائه می‌دهد. در این رویکرد:

- 1- برداشتی که خواننده از بخشی از متن دارد وابسته به فهم او از سایر قسمت‌های درون متنی است.
- 2- همچنین، در نشانه‌شناسی، تمام کلمات، نشانه‌اند و دارای ارزش روابط همنشینی و جانشینی. کلمات در همنشینی با یکدیگر معنایی بوجود می‌آورند که جانشینی هر کلمه به آنها، باعث از بین رفتن و یا تغییر آن معنی می‌شود. کلمات قرآن با هیچ دسته دیگری از کلمات، حتی با کلمات دیگر

- 8- جعفری، یعقوب، (1382)، «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن»، فصلنامه ترجمان وحی، شماره 14.
- 9- رستم نژاد، مهدی؛ نوید، مهدی، (1389)، «اعجاز رنگ‌ها در قرآن»، دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم، شماره 7.
- 10- سجودی، فرزانه، (1388)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران: نشر علم.
- 11- شریفی، علی؛ جوکار، مجید، (1389)، «رنگ سفید از منظر قرآن و روانشناسی»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره 7.
- 12- صداقت، محمد جواد، (1385)، «نگاهی به مقوله رنگ در قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی: ویژه ترجمه قرآن، شماره 43-42.
- 13- طباطبایی، محمد حسین، (1383)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- 14- علوی مقدم، محمد، (1386)، «اعجاز بیانی قرآن»، فصلنامه کیهان پژوهش، شماره 28.
- 15- عزیزی، غلامعلی، (1380)، «جایگاه تفسیر قرآن با قرآن در روایات اهل بیت علیه السلام»، فصلنامه معرفت، شماره 48.
- 16- فرزانه، ناصر، (1375)، رنگ و طبیعت: دانش رنگ‌ها، تهران: انتشارات تهران.
- 17- قائمی نیا، علیرضا، (1386)، «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، قرآن و علم، شماره 1.
- 18- کریمی، پروانه، (1384)، «بررسی کاربرد رنگ در ادب فارسی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- 19- لوشر، ماکس، (1376)، روانشناسی و رنگ‌ها. ترجمه روانی پور، تهران: موسسه انتشارات فرهنگستان یادواره.
- 20- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (1381)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی.
- 21- محمودی، احمد، (1387)، «رنگ در قرآن کریم»، فصلنامه بینات، شماره 1.
- 22- Almalech, M. (2008). *Visual semiotics-The Red Shoes-Part II: Semiotics of Color*. Retrieved, 12 June, 2011, from: <http://www.nbu.bg/>
- 23- Birren, F. (1963). *Color: A survey in Words and Pictures*. University Books INC: New York
- 24- Caivano, J. (1998). *Color and Semiotics: A Two-Way Street*. Color Reaearch and Application, Vol. 23, No. 6. Retrieved 4 /sitios/sicyt/color/1998CRA.pdf
- 25- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The basics*. Routledge: London.
- 26- Danesi, M. (2004). *Messages, Signs, Meanings: A Basic Textbook in Semiotics and Communication Theory*. Canadian Scholars' Press: Canada
- 27- Luckiesh, M. (1915). *Color and Its Applications*. D. Van Nostrand Company: Newyork.
- 28- Martin, B., & Ringham, F. (2006). *Key Terms in Semiotics*. Continuum: London
- 29- Merrell, F. (2001). *Charles Sanders Peirce's Concept of the Sign*. In Cobly, P. (Ed.), *The Routledge Companion to Semiotics and Linguistics* (Pp. 28-39). Routledge: London.
- 30- Saussure, F. (1959). *Course in Gneral Linguistics* (Baskin.W, Tran). McGraw-Hill Book company: Newyork.